

بررسی برخی از رفتارهای منفی حرکت‌های اسلامی

آیه‌الله محمد علی تسخیری*

چکیده:

با توجه به رشد و گسترش خیزش اسلامی، باید رفتارهای منفی حرکت‌های اسلامی هم بررسی گردد تا جهت دستیابی به اهداف بلند جنبش‌های دینی، مشکلات و موانع موجود برطرف گردد. در این مقاله، آفات و جنبه‌های منفی خیزش اسلامی چنین فهرست شده است: عدم اجرای بخش‌هایی از شریعت اسلامی؛ قشری‌گری و سطحی‌نگری در فهم شریعت؛ گسست از علما، اندیشمندان و روند اجتهاد اصیل؛ شیفتگی نسبت به برخی دیدگاه‌های غربی به نام نواندیشی اسلامی؛ گرایش به خشونت و تروریسم؛ دگماتیسم سازمانی و مصلحت‌گرایی تشکیلاتی؛ نومیدی و کاهلی؛ گرایش به اصلاحات فرعی و بی‌توجهی به تغییرات بنیادی؛ عدم بهره‌گیری از امکانات ادبی و هنری امت؛ عدم واقع‌گرایی و بی‌توجهی به مرحله‌بندی؛ فرقه‌گرایی؛ خودمحوری و عدم ارتباط با دیگران؛ گرایش محلی و منطقه‌ای؛ نبود برنامه‌ریزی‌های راهبردی و آینده‌نگر؛ پراکندگی و افترازی؛ فعالیت اسلامی در اوقات فراغت.

کلیدواژه‌ها: خیزش اسلامی، رفتارهای منفی، امت، شریعت، تشکیلات، فرقه‌گرایی.

به رغم کوشش‌های مشکوک، خیزش اسلامی به یک حقیقت روشن با نمودها و نتایجی در عرصه‌های زندگی و شکل‌دهی به آینده امت و روند حرکت سیاسی و اجتماعی آن، تبدیل گشته و پیامدهایی نیز در بازگشت توده‌ها به اسلام و مفاهیم و نظامات آن و درخواست پیاده کردن آن در همه زمینه‌ها و مطرح گشتن راه‌حل‌های اسلامی برای مشکلات امت، داشته است. اینک ما شاهد گسترش پدیده‌های پای‌بندی به سنت‌های اسلامی در برابر شیوه‌های گوناگونی هستیم که برخی سعی در رواج دادن آنها در عرصه‌های اجتماعی به رغم بیگانگی با ذوق و ذهن عامه مسلمانان دارند. البته به همین دلیل، این اندیشه‌ها و الگوهای غربی با وجود سروصداهای زیاد و تبلیغات گسترده، فاقد قدرت تأثیرگذاری و نفوذ هستند.

* دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

اندیشمند فقید، دکتر کلیم صدیقی، می‌گوید: «تاریخ وارد مرحله نوینی شده است؛ عقب‌ماندگی و انحطاط سریع، متوقف گشته و در میان ما درک جدیدی از ارج و قدر و سمت و سو و هدف خویش، پیدا شده است.» (سرمقاله رونامه کانادایی «کرسنت» مورخ ۱۵ اوت ۱۹۸۰). خیزش اسلامی طی سال‌های جدید به حرکت در عمق خود ادامه می‌داد و برای غرب با همه دبدبه و کبکبه آن، به شهادت رهبران، سیاست‌مداران، نویسندگان، مورخان و نظریه‌پردازانش، مایه نگرانی و هراس شده بود. آنها نسبت به بیداری جهان اسلام و جای‌گزین تمدنی که اسلام تقدیم می‌دارد و می‌تواند به کاهش نفوذ غرب و کاستن از فرصت‌های برتری او بینجامد، هشدار داده‌اند.

برخی نویسندگان غربی نیز تلاش کرده‌اند مسلمانان را در پی نومی‌دی از داشتن قدرت رقابت با غرب، به سوی تسامح سوق دهند؛ در همین راستا، خانم «شیرین هانتر» در سخن از آینده روابط اسلام و غرب، می‌نویسد: «امکان پیدایش وزنه اقتصادی و سیاسی ضد غربی، رو به افزایش است؛ این وزنه می‌تواند برای کشورهای اسلامی یک هم‌پیمان و منبع حمایت احتمالی به شمار آید و گرایش‌های رقابتی آنها را در برابر غرب تقویت کند و آنان را به چالش سیاست‌های غربی، تشویق کند. در مقابل نیز نبود چنین وزنه‌ای می‌تواند مواضع اسلامی نرم‌تر و پرتسامح‌تری را به دنبال داشته باشد.» (مستقبل الاسلام و الغرب، ص ۲۲۵). این نویسنده در کتاب خود بر عنصر تسامح مسلمانان انگشت گذاشته و به لزوم روی‌گردانی مسلمانان از مواضع رقابت‌آمیز اشاره می‌کند.

آفات خیزش اسلامی

آنچه در این میان باید بر آن تأکید نمود، عوارض منفی بسیاری است که خیزش اسلامی و جنبش‌هایی که آن را نمایندگی می‌کنند، در بخشی از فعالیت‌های خود با آن روبه‌رو هستند. امید است با تأکید و یادآوری این مسئله، آگاهی نسبت به این خطرات افزایش یابد و برای رهایی از آنها، راه کارهایی اندیشه شود و در مسیر پیشرفت، بهبود و تأثیرگذاری بیشتر و ساخت فردایی روشن‌تر، مؤثر افتد. در این راستا می‌توان به برخی از این جنبه‌های منفی اشاره کرد:

۱- تأکید بر اجرای شریعت در بخش‌هایی از زندگی و به فراموشی سپردن بخش‌های دیگر چنین اجرای ناقصی، هرگز تأثیر مطلوب خود را به دنبال نخواهد داشت و حتماً باید سایر بخش‌ها نیز به اجرا گذاشته شود؛ این امر با برداشت از اسلام به مثابه پروژه جامع و همه‌جانبه‌ای که در برآوردن نیازهای انسانی که زنجیره همبسته‌ای را تشکیل داده و دارای برنامه‌های متوازن و متعادلی است، کاملاً هم‌خوانی دارد.

برای مثال در مورد این جنبه منفی، می‌توان به روند اجرای احکام شرع با تکیه بر نظام مجازات

و به فراموشی سپردن زندگی و واقعیت‌های اقتصادی، تربیتی و آزادی‌های اجتماعی و ایده تحقق عدالت اجتماعی، اشاره کرد.

۲- قشری‌گری و سطحی‌نگری در فهم شریعت

تردیدی نیست که این جزم‌اندیشی و برخورد سطحی، به بروز راه‌حل‌های ناقصی منجر شده که هیچ‌گونه هم‌سویی با منطق ندارد و مردم را از تصور وجود راه‌حل‌های برتر برای مشکلات پیچیده زندگی خود به هنگام پیاده کردن اسلام، دور می‌سازد و به دشمن اجازه می‌دهد اتهامات بی‌موردی چون عقب‌ماندگی و ارتجاع و جمود و تحجر و جزمی‌گری، به چنین دینی وارد آورد. در تجربه طالبان افغانستان، بسیاری از این پدیده‌ها یافت می‌شد.

۳- گسست از علما، اندیشمندان و روند اجتهاد اصیل

این امر به معنای تحقق اجتهادی ناقص به ویژه در مورد مسایل حساسی است که منجر به صدور احکام خودسرانه و چه بسا مخالفت‌های آشکار با شریعت و اهداف و مقاصد آن می‌گردد. در جنبش‌های جوانان شیفته خدمت به اسلام ولی گسسته از اسلام ناب، این نکته کاملاً قابل لمس است. برخی نظریه‌پردازان غربی، این موضع‌گیری‌ها را تشویق می‌کنند؛ به عنوان مثال، «بیدهام براین» تأکید می‌کند: «اجتهادهای فقهی نباید منحصر به فقها باشد و قرائت آزاد از اسلام باید برای همگان آزاد باشد و علما بزرگ‌ترین مانع در راه پیشرفت امت به شمار می‌روند» وی از سران خیزش اسلامی می‌خواهد تا از این مانع درگذرند.

شگفت این‌که در جهان اسلام نیز شاهد چاپ و انتشار کتابی از سوی مدعیان وابستگی به جنبش اسلامی هستیم که در آن، آن‌چه آن را «طبقه علما» نامیده‌اند نفی و عمومیت بخشیدن به اجتهاد و قرائت‌های آزاد و مستقل از دین و نیز نوعی هرمنوتیک بی‌در و پیکر، ترویج شده است. (الحوار مع الاخر، ص ۱۶۲).

جنبش‌ها و حرکت‌های زیادی در ابتدا با خلوص نیت شروع کردند ولی بر اثر جهل سران آنها و عدم ارتباط با علما، دچار انحراف گشتند و در عمل، آلوده کارهای مخالف اسلام و حتی دچار الحاد گردیدند. فرجام جنبش‌های مسلمانان سیاه‌پوست در آمریکا با ادعای پیامبری «شریف درو علی»، غیبت «فارد علی منتظر» و ادعای پیامبری «عالیجاه محمد» و جنبش سیاهان ضد سفیدپوست و امثال آنها، هنوز فراموش نشده‌اند. (ر.ک: مقاله استاد آدم بامبا درباره مبارز آمریکایی «مالکوم ایکس» در سیمینار بزرگ حج (مکه مکرمه) سال ۱۴۲۳ هجری قمری).

۴- پذیرش برخی دیدگاه‌های غربی به نام نواندیشی اسلامی

این سرنوشتی است که برخی چپ‌گرایان و یا راست‌گرایان در کشورهای متعدد اسلامی گرفتار آن شد و به الحاد و یا نوعی اعوجاج و التقاط فکری که اسلام و لیبرالیسم یا سوسیالیسم را با هم درمی‌آمیزد و بدون پای‌بندی به ملاک‌های دگرگونی، شعار تکامل و تغییر سر می‌دهد، نزدیک شدند.

۵- گرایش به خشونت و تروریسم

این پدیده خطرناک و همه‌معیارها و راه‌بردها را بر هم زده و به وجود آورنده انواع اتهام‌ها و چالش‌ها علیه امت اسلامی و مراکز علمی و فعالیت‌های اجتماعی آن است. این پدیده که گاه معلول عوامل بیگانه از ما و گاه به مفهوم واکنش افراط‌آمیز در برابر فعالیت‌های خصمانه علیه ماست، در هر حال نمی‌تواند بازگوکننده نظام جهاد در اسلام باشد. دشمنان با تمام امکانات خود برنامه‌ریزی می‌کنند تا این نظام اصیل و آموزه‌های آن را از برنامه‌های آموزشی و از ادبیات و فرهنگ سیاسی ما حذف نمایند. اسلام، بهره‌گیری غیر هدف‌مند از اسلحه کشتار جمعی را در بعد فردی یا دولتی نفی می‌کند.

آمریکا که مدعی رهبری جنگ علیه تروریسم است خود، تروریسم را در جاهای مختلف و به ویژه تروریسم صهیونیستی را تغذیه مالی می‌کند و از این کارزار، برای تحمیل جهانی‌سازی دیوانه‌وار و وحشیانه خود، به تعبیر نویسندگان غربی، (رسالة المسلم فی حقبة العولمة، ص ۵۱۵) در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره استفاده می‌نماید و در این راستا قوانین و مقررات نهادهای بین‌المللی را نقض نموده و مفاهیم و نظرات خطرناکی را مطرح می‌سازد که خطرناک‌ترین آنها «جنگ پیش‌گیرانه» و این ایده که «یا در کنار ما هستی یا تو هم تروریستی» و ... است.

۶- دگماتیسم سازمانی و مصلحت‌گرایی تشکیلاتی^۱

پدیده‌ای است که احتمالاً در یک فضای مادی یا لیبرالی مصلحت‌گرایانه قابل درک و فهم باشد، ولی در منطق اسلام، که نه تنها تنوع احزاب و گروه‌های گوناگون و اقدام‌های عملی مستقل هر کدام را نفی نمی‌کند بلکه خود نیز به این روند یاری می‌رساند، هرگز پذیرفتنی نیست. البته در عین حال اسلام به طور مطلق نمی‌پذیرد که تشکیلات و سازمان، خود تبدیل به چارچوب فکری آهنینی گردد که اندیشه ارادی و توان اعتراض و قدرت ارزیابی مواضع را در اعضا می‌میراند و ذوب شدن هر چند ناآگاهانه را در رهبران تشویق می‌کند.

۱- ر. ک: ثقافة الدعوة.

در فرهنگ اسلامی ما متون بسیاری در نفی این امر وجود دارد، از جمله در تفسیر آیه مبارکه «اتَّخَذُوا أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ اینان دانشمندان و راهبان خود را به جای خدا به الوهیت گرفتند.» (توبه/۳۱) آمده است که منظور گوش سپردن به آنان و اطاعت بی‌قید و شرط از آنها است. (علامه طباطبایی، ج ۹، ص ۲۵۵).

۷- نومیدی و کاهلی

ضربه‌های دردناکی که دشمنان وارد می‌آورند و انواع محاصره‌ها و تحریم‌های ستم‌گرانه‌ای که بر امت و حرکت‌های اسلامی آن تحمیل می‌شود و بزرگ‌نمایی شدید دشواری‌ها و مشوه ساختن تجربیات موفق که این موانع را شکسته‌اند، همه و همه دست‌اندرکاران را دچار یأس و نومیدی می‌سازد و نوعی کاهلی و فراموشی هدف‌های بزرگ و حتی دل‌مشغولی‌های کوچک و بسندگی به دستاوردهای کوچک و شیوه‌های تبلیغی ساده و به دور از تغییرات ریشه‌ای و ... را به دنبال می‌آورد. بدا به حال گروهی که امید خود را از دست می‌دهند و تن به ذلت می‌سپارند، حال آن‌که امیدواری از ویژگی‌های مؤمنان به شمار می‌رود. خداوند می‌فرماید: «إِنْ كُنْتُمْ تَأْمِنُونَ فَمَا يُكْفَرُ بِكُمْ وَأَنْتُمْ كُنْتُمْ تَوَّابِينَ» (نساء/۱۰۴). چیزهایی از خدا امید دارید که آنها امید ندارند.»

۸- گرایش به اصلاحات فرعی و بی‌توجهی به تغییرات بنیادی

چنانچه به مسایل فرعی، نه در چارچوب کلی و به عنوان جزئی از یک کل، نگریسته شود، تبدیل به شیوه‌های گمراه‌کننده‌ای می‌گردند و چه بسا دشمنان نیز به تداوم این روند یاری می‌رسانند تا مگر نوعی رضایت مردمی را برای خود کسب کنند. وقتی مسایل اصلی و محوری، به فراموشی سپرده شود، امت، پویایی و حرکت رو به رشد خود را از دست می‌دهد.

۹- عدم بهره‌گیری از امکانات ادبی، هنری و روزآمد امت

نقش بزرگ عبادات و به ویژه عبادات اجتماعی، هم‌چون نماز جمعه و حج، در عرصه‌های پرورش بنیادهای انسان مسلمان نادیده گرفته شده است. دو پژوهشگر گرانقدر، استاد «السریانی» و «میرزا»، درباره تأثیر حج بر استقلال اندونزی خاطرنشان ساخته‌اند که مقامات هلندی که این کشور اسلامی را از سال ۱۶۴۱ تا ۱۹۴۵ میلادی، به استعمار خود درآورده بودند متوجه گردیدند که پس از مراسم حج هر سال، شورش‌های قدرت‌مندی

صورت می‌گیرد. به رغم این‌که این دو نویسنده علت این امر را به تماس حاجیان با برادران جاوه‌ای خود نسبت داده‌اند،^۱ اما به نظر ما، نقش مهم‌تر، متعلق به خود مراسم حج است که روحیه انقلابی‌گری را در انسان حج‌گزار، از طریق پیوندی که با حرکت پیامبران و به ویژه حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیدا می‌کند، به یادگار می‌گذارد.

بیم و هراس مقامات اشغال‌گر فرانسوی از حج مردم الجزایر نیز که آنان را واداشت تا آنرا منع یا به شدت محدود گردانند از همین امر سرچشمه گرفته است. (مقاله‌ای از استاد مولود غویمر با موضوع مکه و عوالم آن در اندیشه «مالک بن نبی» در سیمینار بزرگ حج سال ۱۴۲۴ هجری قمری).

گروهی که در جهت تعمیق و تعمیم خیزش اسلامی و تداوم پویایی آن فعالیت می‌کنند هرگز نباید از پتانسیل‌های موجود اسلام و عرصه‌های گشوده آن غفلت ورزند، بلکه باید نهایت بهره‌برداری را از آنها به عمل آورند، وگرنه دشمنان خود آنها را مورد سوء استفاده قرار خواهند داد.

۱۰- عدم واقع‌گرایی و بی‌توجهی به مرحله‌بندی

دگرگونی، نیازمند برنامه‌ریزی‌های فکری و مراحل عملی معینی است و نباید بیش از اندازه خوش‌بین بود و این مرحله‌بندی را نادیده گرفت؛ زیرا معمولاً منجر به خطاهای پیاپی و برملاشدن کاستی‌ها و کنار کشیدن گروه‌هایی می‌شود که ایده‌های خیزش را به طور عمیق دریافت نکرده‌اند. (ثقافة الدعوة). برخی جنبش‌های اسلامی به بهانه این‌که هم‌چنان در مرحله فکری قرار دارند و نمی‌توانند دست به اقدام عملی بزنند، فرصت‌های فراهم آمده را از دست داده‌اند.

۱۱- فرقه‌گرایی

فرقه‌گرایی آفت خطرناکی است که امت اسلام از آن رنج بسیار کشیده و بر اثر آن، خون‌ها و اشک‌های فراوانی جاری شده است. اسلام به اقتضای واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری و برنامه‌ریزی‌های خود برای حفظ جاودانگی احکام و راهبری زندگی، اجازه اجتهاد داده و اجتهادها نیز در پی پیچیدگی زندگی، تنوع یافته و در نتیجه، مذاهب چندی پدید آمده که در شمار سرمایه‌های این امت تلقی می‌گردند. (انصاری، ص ۱۵۵-۲۲۰).

ولی پس از آن، این مذاهب، به فرقه‌هایی تبدیل گردیدند و هواهای نفسانی و مصالح و منافع

۱- این سخنرانی در سیمینار بزرگ حج سال ۱۴۲۴ هجری قمری، ایراد گردید.

حاکمان ناشایست، باعث درگیری‌هایی میان آنها شد و کام شیرین امت از اجتهاد آزاد، تلخ گردید، تا آن حد که برخی را به بستن باب اجتهاد سوق داد. خیزش اسلامی، در اصل دارای خاستگاه فرقه‌ای نبوده و در مسیری اسلامی حرکت خود را آغاز کرده و ثمرات گرانباری هم داشته است ولی به نظر می‌رسد گرایش‌هایی فرقه‌ای در برخی عرصه‌های خیزش اسلامی به چشم می‌خورد که تهدیدی برای آن است و می‌تواند آن را از مسیر درست و مطلوب، منحرف گرداند.

۱۲- خود محوری و عدم ارتباط با دیگران

خیزش اسلامی در خلأ حرکت نمی‌کند، بلکه گرایش‌های دیگری نیز در کنار آن حضور دارند و باید با آنها ارتباط برقرار کند. به رغم آن‌که گرایش‌ها و جریان‌های لائیک، ناسیونالیستی، سوسیالیستی و امثال آنها در دهه‌های گذشته موانع بسیاری را در برابر خیزش اسلامی ایجاد کرده‌اند، اما امروزه نیازمند هم‌زیستی با این خیزش هستند. خیزش اسلامی نیز باید باب گفت‌وگو با آنها را بگشاید و چه بسا این گفت‌وگوها، آن‌را به سوی نوعی سازش و احتمالاً همکاری برای چیره شدن بر عقب‌ماندگی و پراکندگی مرگبار و نیز مبارزه با دشمن بزرگ‌تر، سوق دهد. حال آن‌که در لاک خود فرو رفتن و نفی دیگران، چه بسا موجب خواهد شد نیروهای مخالف علیه آن بسیج شده و برنامه‌های آن را دچار ناکامی نمایند. ایجاد پل‌های ارتباطی با جنبش‌های معنوی جهان و جریان‌های نیکوکار مدافع حقوق بشر، محرومان و مستضعفان، دارای نتایج ثمربخشی است که اخیراً نیز شاهد کوشش‌هایی در این راستا بوده‌ایم. (از جمله سیمینار گفت‌وگوی اسلامی ملی در بیروت، سیمینارهای گفت‌وگوی مسیحیت و اسلام در بیروت، قاهره، تهران، خارطوم و برخی کشورهای اسلامی دیگر).

۱۳- گرایش محلی و منطقه‌ای

برخی عناصر خیزش و حرکت اسلامی، بیشتر به حرکت محلی یا منطقه‌ای گرایش داشته و توجهی به جنبه‌های عمومی ندارند و ویژگی‌های جغرافیایی معینی را در نظر گرفته و خود را وقف همان محدوده می‌کنند و توجهی به حق‌کشی‌ها و تجاوزاتی که در جاهای دیگر صورت می‌گیرد، ندارند و فراموش می‌کنند که پس از گسست از امت، و تنها شدن، دشمن به خوبی از عهده آنها برخوردار می‌گردد. گویا چارچوب‌ها و مرزهای جغرافیایی نیز خود تبدیل به قید و بند و عواملی برای خدشه وارد آوردن به دیدگاه‌های جهان‌شمول اسلامی، به عنوان مهم‌ترین تکیه‌گاه و ویژگی خیزش اسلامی، می‌گردند. به دلیل ایجاد حساسیت‌های احتمالی به همین اشاره کلی، بسنده می‌کنیم.

۱۴- نبود برنامه‌ریزی‌های راهبردی و آینده‌نگر

امت اسلامی و جهان سوم گرفتار بی‌برنامه‌گی و عدم آینده‌نگری بوده و برای آینده قابل پیش‌بینی نیز برنامه و هدف معینی ندارند. روشن است کسی که بدون نقشه و برنامه راه رود به زمین می‌خورد و خود را در معرض خطرهای مرگبار قرار می‌دهد.

مطالعات و پژوهش‌های آینده‌نگرانه، اینک در غرب رشته‌های دانشگاهی معتبری را تشکیل می‌دهد و زمینه را برای دیدگاه‌های راهبردی (استراتژیک) فراهم می‌آورد. هیاوهی «آیات شیطانی» با جلوه ادبی آن، نظریه‌های «برخورد تمدن‌ها» و «پایان تاریخ» با جلوه تاریخی، و اندیشه «جنگ‌های پیش‌گیرانه» و برخی نشانه‌های «جهانی‌سازی» و اصطلاحاتی چون «دهکده کوچک جهانی» و «جهان بی‌مرز» که در عرصه اقتصادی مطرح شده‌اند، هر کدام پیش از تبدیل شدن به واقعیت‌های عینی در روابط بین‌الملل، در زمان خود به عنوان فرضیه‌هایی آکادمیک مطرح گشتند و باید پرسید خیزش اسلامی در مورد هر کدام از این معادلات و اصطلاح‌ها، چه دیدگاه و برخوردی داشته است.

۱۵- پراکندگی و افترازی

وجود این پدیده را در چارچوب جریان‌های مادی می‌توان پذیرفت، ولی جریان اسلام مطلقاً چنین عارضه‌ای را نمی‌پذیرد؛ زیرا هدف یکی است و روحیه تسامح و مدارا و پذیرش اجتهادهای دیگران و برخورد برادرانه و در چارچوب وحدت، هرگز با کارشکنی هر یک از ما نسبت به برنامه‌های دیگران، هم‌خوانی ندارد، ولی در کمال تأسف شاهد چنین وضعیتی هستیم، که وجود و هویت خیزش اسلامی را تهدید می‌کند.

۱۶- فعالیت اسلامی در اوقات فراغت

بسیاری از دست‌اندرکاران امور اسلامی تنها اوقات فراغت و بیکاری خود را به فعالیت‌های اسلامی اختصاص می‌دهند و وقت اصلی آنها بیشتر صرف کارهای شخصی و حتی همکاری با نهادهای سنتی می‌شود که خود، آنها را قبول ندارند و در این صورت، حرکت اسلامی به تعبیر اندیشمند فقید، کلیم صدیقی، تبدیل به حرکتی حاشیه‌ای می‌گردد (سخنرانی در نشست سازمان جوانان اسلامی در ریاض، سال ۱۹۷۶ م) حال آن‌که در حقیقت می‌بایست امور مربوط به خیزش اسلامی، مهم‌ترین و اصلی‌ترین بخش کار و فعالیت ما را تشکیل دهد.

نکات پایانی

۱- ممکن است برخی از پدیده‌های یاد شده، در دل هم‌دیگر جای داشته باشند، هم‌چنان که ممکن است شماری از آنها، معلول پدیده‌های دیگر باشد، ولی به دلیل اهمیت آنها، شایسته بررسی مستقل می‌باشند.

۲- می‌توان از این عوارض و آفت‌ها، به عنوان چالش‌های داخلی با همان کارکرد چالش‌های خارجی تعبیر کرد. در واقع، چالش‌های خارجی در بستری از ضعف ناشی از این چالش‌ها، صورت تهدید به خود می‌گیرند و حتی برخی از آنها نیز خود معلول چالش‌های خارجی‌اند. غرب در چندین و چند دهه و به ویژه در دو قرن نوزدهم و بیستم، در جهت تثبیت انواع حالت‌های عقب‌ماندگی و پراکندگی، از جمله عقب‌ماندگی فرقه‌ای امت، فعالیت داشته است.

۳- پرداختن به این آفت‌ها و عوارض منفی مستلزم اختصاص دادن مبحث ویژه‌ای در این باره است. عناصر این مبحث را، با توجه به عوارضی که به عنوان آفت از آن یاد شد، می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- تشویق اجرای کامل و تمام عیار شریعت؛
 - ۲- ژرف‌اندیشی در فهم شریعت و اهداف آن و دوری از سطحی‌نگری؛
 - ۳- برجسته‌سازی نقش علما و مراکز علمی و فعال کردن روند اجتهاد آزاد؛
 - ۴- هوشیاری در برابر جریان‌های وارداتی و شیفتگی نسبت به آنها؛
 - ۵- توجه به چهره محبت‌آمیز اسلام و نفی تروریسم و خشونت، که البته این امر به معنای ستم‌پذیری و سکوت در برابر اقدامات تروریستی اردوگاه کفر نیست؛
 - ۶- نفی ظواهر بت‌پرستانه در فعالیت‌های انقلابی؛
 - ۷- برانگیختن امید در توده‌های مردم؛
 - ۸- تأکید بر اقدامات بنیادی، بدون فراموش کردن اصلاحات فردی در این راستا؛
 - ۹- بهره‌گیری از همه فرصت‌های فراهم آمده؛
 - ۱۰- برخورد واقع‌گرایانه با مسایل؛
 - ۱۱- نفی فرقه‌گرایی؛
 - ۱۲- گشایش پل‌های ارتباطی منطقی با دیگران؛
 - ۱۳- تقویت اسلام سیاسی جهان‌شمول؛
 - ۱۴- تکیه بر برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و آینده‌نگرانه.
- ۴- ممکن است گفته شود: با توجه به این‌که این مسایل، ارتباطی به سران و سیاست‌مداران ندارد،

چرا رهنمودها و توصیه‌ها، خطاب به آنان ارایه شده است. جواب آن است که ما برآنیم تا موضوع هر چند غیرمستقیم، به آنها مربوط می‌شود، زیرا:

اولاً: زمام بسیاری از امور این امت در دستان آنهاست و مسئله خیزش اسلامی و رهنمونی آن نیز بی‌هیچ تردیدی، مسئله امت است و آنها نمی‌توانند از زیر این مسئولیت شانه خالی کنند. ثانیاً: بسیاری از این توصیه‌ها، به طور مستقیم در پیوند با آنهاست، به ویژه که برخی مراکز و مجمع‌های علمی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی نیز مشابه این توصیه‌ها را به عمل آورده‌اند. (از جمله توصیه صادره از سوی پنجمین نشست مجمع فقه اسلامی درباره اجرای احکام اسلام) (قطعه‌نامه شماره ۱۰).

ثالثاً: آنها می‌توانند فضای مناسبی را برای ایفای نقشی اساسی از سوی توده‌ها و نهادهای مدنی آنان فراهم آورند.

منابع و مأخذ:

- ۱- انصاری، فاضل، قصة الطوائف بین المذهبية و الطائفية، دمشق، دار الاهالی، ۲۰۰۰.
- ۲- تسخیری، محمدعلی، الحوار مع الذات و الآخر، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی، ۱۳۸۴.
- ۳- ثقافة الدعوة، تهران، انتشارات حزب الدعوة الاسلامیة، عراق، بی‌نا، ۱۴۰۱.
- ۴- رسالة المسلم فی حقبة العولمة.
- ۵- سرمقاله رونامه کانادایی «کرسنت» مورخ ۱۵ اوت ۱۹۸۰.
- ۶- علامه طباطبایی، المیزان، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ط ۵، ۱۹۸۳ م / ۱۴۰۲ هـ، ج ۹.
- ۷- هانتر، شیرین، «مستقبل الاسلام و الغرب»، ترجمه عربی: زینب شوربا، بیروت، دار العلم للملایین، ۲۰۰۴.

